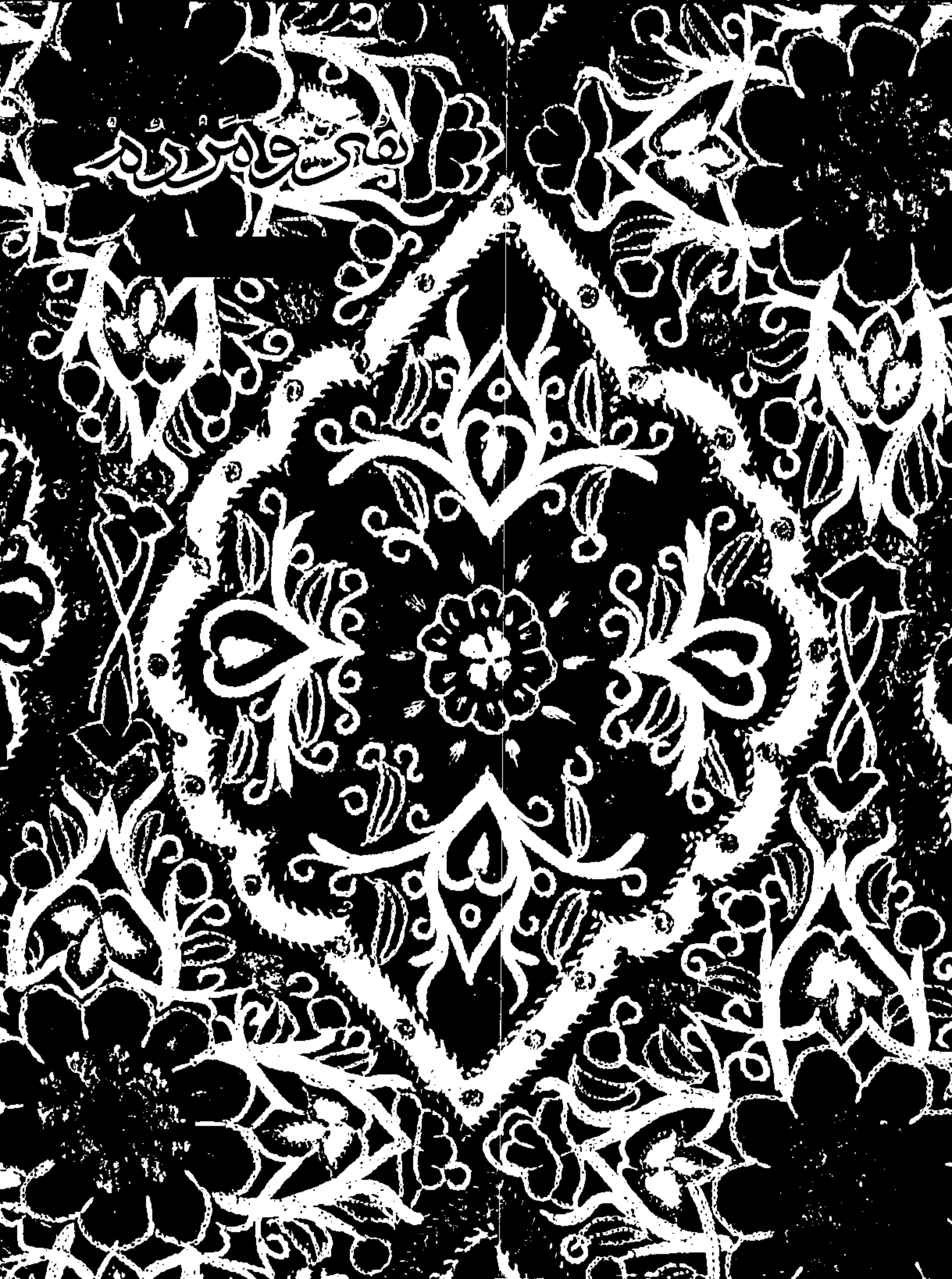




برای تهیه شماره‌های مختلف مجله
هنرمردم لطفاً در تهران به نقاط زیر
مراجعه فرمائید :

دفتر مجله هنرمردم

ژکفر

خیابان تخت جمشید - مقابل سفارت
امریکا - شماره ۳۸۹

شعبه‌های کتابخانه امیرکبیر

کتابفروشی ابن سینا
میدان ۲۵ شهرپور

کتابخانه چهر
روبروی دانشگاه

کتابخانه سنائی (شماره ۱)
خیابان شاه‌آباد

کتابخانه سنائی (شماره ۲)
خیابان آذر روبروی دادگستری

خانه آفتاب
خیابان روزولت روبروی دانشسرای عالی
شماره ۱/۱۵۴

انتشارات خوارزمی و شعبه‌های آن
خانه کتاب
خیابان شاهرضا - روبروی دانشگاه

کتابفروشی دهخدا
روبروی دانشگاه

کتابفروشی طهوری
روبروی دانشگاه

کتابفروشی نیل
میدان مخبرالدوله - اول خیابان
رفاهی

کتابفروشی سپهر
مقابل دانشگاه

کتابفروشی پیام
مقابل دانشگاه



هنرمردم

HONAR VA MARDOM

(art and people)

از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر

اداره کل روابط فرهنگی

سال دوازدهم - شماره صد و چهل و پنجم

شهریورماه ۱۳۵۳

در این شماره :

۲	عیسی بهنام	یادی از بهرام سائخورده
۶	دکتر محمود نجم آبادی	ابن سینا
۱۰	غلامعلی همایون	اثرات هنر ایران بر یونان
۳۳	مایل هروی	مرقع سازی در دوره تیموریان
۴۸	محمد عبدالله جغتائی	نسخه های مصور گلستان و بوستان
۶۰	فخری بهاری	آثار ناشناخته ایران
۶۴	-	پروفسور نیرنگ، ایران شناس فقید سوئدی
۶۶	-	قالی ایران را بشناسیم «قالی خراسان»
۷۴	کاظم سادات اشکوری	تأملی در مسکن چندار
۸۵	حسین طبیبی	سیری در قیالهای ازدواج
۹۰	سیدحیدر شهریار نقوی	تجلیات زبان و فرهنگ ایران در هند و پاکستان
-	مولوی	شعر ماه

یادی از پدران سالخورده

عیسی بهنام
دکتر در باستانشناسی

بیاید این یادگارهای زیبای پدرانمان را که بصورت ویرانه‌هایی با سماجت مخصوص هنوز برجای مانده‌اند برای خودمان و برای نسل‌های آینده محفوظ بداریم و مانع از میان رفتن آنها باشیم.

هیچ شك حق با شماست، زیرا دیگر امروز امکان ندارد که مادر میان خصاری از آجر یاخشت خام بسر ببریم. ولی این یادگار گذشته را نیز با نظر تحقیر نگاه نکنید. مبدا تصمیم بگیریید آنرا خراب کنید و بجای آن يك آسمان‌خراش بسازید. پیر سالخورده را نمیتوان جوان کرد، ولی مصاحبت با او بسیار دلپذیر است. باید باو احترام بگذارند.

بسیاری از ساختمان‌های کهن و زیبایی ما در نتیجه عدم توجه ما از میان رفتند. امروز اگر کسی بخواهد صفحات مصور زیبایی دوران صفوی ایران را ببیند باید به لنینگراد و لندن و نیویورک مسافرت کند. معذرت میخواهم اگر ناچارم جمله زنده‌ای بکار برم: ما حتی قبا و الخالوق و جامه مادر بزرگمان را هم فروختیم و امروز برای دیدن آنها بמוزم‌های استکهلم و وین باید برویم. يك قالی ارزش دار قدیم ما در ایران باقی نمانده، و درحالیکه در موزه ایران باستان فقط دو قالی کهنه در معرض نمایش قرار داده شده، خانم آکرمن، همسر مرحوم پوپ، بیش از ۲۰۰ عکس رنگین از قالی‌های فوق‌العاده زیبایی ما را که درعهد شاه‌عباس‌ها و شاه‌طهماسب‌ها در تبریز یا شیراز و کرمان بافته شده و اکنون در موزه‌های مختلف جهان است در مجلد پنجم کتاب «سوروی» منتشر نموده است.

خوشبختانه، امروز شاهنشاه محبوب ما شورایی را مأمور حفاظت و مرمت این آثار کهن و حفظ وص



کاروانسرای قدیمی پردخواست

راه خارج از کشور را در پیش گیرند . تمام آثار تاریخی ما تحت تعمیر و حفاظت دقیق قرار گرفته‌اند و به ثبت رسیده‌اند . بسیاری از آنها در نقاط دورافتاده‌ای قرار دارند ولی مسافت زیاد مانع امر نشده است که آن آثار تحت حفاظت شورا قرار گیرد .

البته شورا کار خودش را میکند و به آن دامه میدهد، ولی این مردم سرزمین ما هستند که بیش از شورای حفاظت آثار تاریخی باید در حفظ این آثار بکوشند . همانطور که شما توقع ندارید پدر بزرگ یا مادر بزرگتان را دیگران تروخشک کنند نباید توقع داشته باشید که فقط سازمان‌های دولتی به حفاظت این آثار ، این یادگارهای کهن شما که موجب افتخارتان است بپردازند تا دست‌خوش بی‌اعتنایی و حوادث گردند .

بدون شك شهر تهران ما ، که بسیار دوستش داریم ، کم‌کم دارد شبیه به پایتخت‌های بزرگ جهان میشود . ولی دیگر ما چیزی در آن نمی بینیم که ما را بیاد پدر بزرگ و مادر بزرگمان بیاندازد . تا همین پنجاه سال پیش در همین میدان سپه که در آن موقع میدان توپخانه نام داشت سردرهای زیبایی بود که پکاشی‌های جالبی مزین شده بود . خارج از میدان توپخانه خارج شهر به شمار می‌آمد . تنها خیابان زیبای این شهر خیابان لاله‌زار بود که امروز ، ببخشید ، به جهنمی مبدل شده است . در يك سوی آن سایبانی بود که آنرا «سواد» میگفتند و در آن روزها ما جوانان در زیر آن سایه‌بانها گردش میکردیم و فکر میکردیم تفریحی از آن بالاتر نیست ، وقتی از چهارراه کنت بالاتر میرفتیم به دروازه دولت میرسیدیم از زیر سردر زیبایی عبور میکردیم که در بالای آن داستان رستم را با کاشی‌های رنگین زینت کرده بودند و این داستان ما را هر روز بیاد قهرمانی‌های پدرانمان ، بیاد فردوسی ، بیاد جمشید و طهمورس می‌انداخت . کمی بالاتر منزل ملک الشعرای بهار بود که کاملاً خارج شهر بود و در کنار آن زم



حصار کهن شهر قدیم یرد

کلب آستان علی ابن ایبطالب ، که خداوند ملک و پادشاهیش را محفوظ بدارد» . این کلام عبری است ، ولی چون من متن عربی آنرا اکنون در دست ندارم مفهوم آنرا به زبان خودمان برایتان نقل کردم . پروفیسور اتینگهوزن دانشمند باستان شناس امریکایی اعتقاد دارد که این کتیبه از محمد رضای امامی اصفهانی خوشنویس معروف صفوی است . بهر حال «کلب آستان علی ابن ابی طالب» یعنی شاه عباس بزرگ به این بنا و دیگر کاروانسراها و ساختمان هایی که موجب رفاه مسافران بودند علاقه زیاد داشت ، بنابراین این ما هم باید از محافظت های این ویرانه ها خودداری نماییم تا روح شاهنشاه بزرگ صفوی نیز شاد گردد .

این فقط عکسی از آن ویرانه زیباست که در میان راه شما به شیراز قرار گرفته است . اگر مایلید از دیدن آن لذت ببرید به آنجا بروید ، باور کنید دیدن آن برای شما از دیدن برج ایفل و مجسمه آزادی نیویورک بیشتر لذت خواهد داد . بیاید این یادگارهای زیبای پدرانمان را حفظ کنیم و آنها را برای نسل های آینده محفوظ بداریم . آنها از این بابت از ما بسیار ممنون خواهند شد .

واینک کلامی را که گذشتگان بصورت کتیبه ای در این کاروانسرا یا مهمانسرا برجای گذاشته اند مورد توجه قرار دهید :

«درایام سلطان اعظم ، تبلیغ کنده مذهب ائمه اطهار

ابن سینا

درکامخسا و افسانه های طبی منسوب به ابن سینا

دکتر محمود نجم آبادی

رئیس بخش تحقیقات تاریخی طبی و بهداشتی
دانشکده بهداشت دانشگاه تهران

چنانکه در سلسله مقالات پیشین به نظر خوانندگان گرامی رسید، شیخ در درمان بیماران قبل از آنکه به مقام صدارت برسد، چند شاهکار بزرگ از خود نشان داده و در نتیجه، بر اثر شفا یافتن بیماران شهرت یافت تا آنجا که به دربار پادشاهان و امراء راه یافته است.

اما درمانها و افسانه های طبی مربوط به شیخ در این باره متعدد میباشد و این مطلب بسیار طبیعی است، چرا که از فردی باچنان جودت ذهن و سرعت انتقال و احاطه بر علوم، مستبعد نیست که درمانهای عجیب و غریب نموده باشد و حتی اگر تعداد معالجات غریبه وی نیز محدود باشد، نسبت دادن درمانهای بسیار به چنین دانشمندی آسان است. توفیق بی سابقه شیخ در فراگرفتن علوم و اینکه در هجده سالگی جمیع علوم زمان خود را فرا گرفته و نسبت به آنها صاحب رأی و نظر شده و همچنین در بیست و یک سالگی به تألیف و تصنیف کتاب علمی و فلسفی پرداخته، باعث شده است که وی مورد اعجاب و تحسین معاصران خویش از عارف و عامی قرار گیرد تا آنجا که پزشکان مجرب و سالخورده و دانشمندان بخارا از وی استمداد جویند.

از طرفی چون زندگی این مرد عجیب از اسرار و رموز خالی نبوده و احوالش در سفر و حضر و دوران وزارت و صدارت و حبس و امثال آنها شباهت به احوال يك فرد عادی و زندگی آرام سایر معاصرانش نداشته، بلکه پر از نشیب و فراز بوده است و بدین مناسبت تحت عوامل بالا و همچنین بسیاری از عوامل دیگر داستانها و افسانه های زیادی به وی نسبت داده شده است.

قدیمترین کتاب پارسی که داستانهای ابوعلی در آن آمده

رسانند) شگرف (خوب و عجیب و بزرگ) فرمود و پس از آنکه او را بار داد، حکماء را بخواند و این نامه برایشان عرضه کرد و گفت: محمود قوی دست است و لشکر بسیار دارد و خراسان و هندوستان ضبط کرده است و طمع در عراق بسته من نتوانم که مثال او را امتثال نمایم و فرمان او را بنفاد (به جریان امر) نپیوندم. شما در این چه گوئید؟» ابوعلی و ابوسهل گفتند «مانرویم.» اما ابونصر و ابوالخیر و ابوریحان رغبت نمودند که اخبار صلات و هبات سلطان همی شنیدند. پس خوارزمشاه گفت: «شما دوتن را که رغبت نیست پیش از آنکه من این مرد را بار دهم، شما سرخویش گیرید».

پس خواجه اسباب ابوعلی و ابوسهل ساخت و دلیلی همراه ایشان کرد و از راه بیابان روی به گرگان نهادند. روز دیگر خوارزمشاه حسین بن علی میکال را بار داد و نیکوییها پیوست و گفت: نامه خواندم و بر مضمون نامد و فرمان پادشاه و قوف افتاد. ابوعلی و ابوسهل برفته اند. لیکن ابونصر و ابوریحان و ابوالخیر بسیج میکنند که پیش خدمت آیند، و به اندک روزگار برگ ایشان بساخت و با خواجه حسین میکال فرستاد و ببلخ بخدمت سلطان یمن الدوله محمود آمدند و بحضورت او پیوستند، و سلطان را مقعود از ایشان ابوعلی بوده بود، و ابونصر عراق نقاش بود، فرمود تا صورت ابوعلی بر کاغذ نگاشتند نقاشان را بخواند تا بر آن مثال چهل صورت نگاشتند و با مناشیر (منشورها) باطراف فرستادند و از اصحاب اطراف (رؤسای نواحی) درخواست که «مردی است بدین صورت و او را ابوعلی سینا گویند طلب کنند و او را بمن فرستند. اما چون ابوعلی و ابوسهل باکس ابوالحسین السهیلی از خوارزمشاه برفتند، چنان کردند که بامداد پاترده فرسنگ رفته بودند.

در فلان محلت و در فلان کوی و در فلان سرای بر دختری فلان و فلان نام عاشق است و داروی او وصال آن دختر است و معالجت او دیدار او باشد» .

پس بیمار گوش داشته بود و در هر چه خواجه ابوعلی میگفت می شنید ، از شرم سر در جامه خواب کشید ، چون استطلاع کردند همچنان بود که خواجه ابوعلی گفته بود . پس این حال را پیش قابوس رفع کردند (عرض حال و دادخواهی نزد سلطان یا امیر) . قابوس را عظیم آمد و گفت : «اورا بمن آرید» . خواجه ابوعلی را پیش قابوس بردند و قابوس صورت ابوعلی را داشت که سلطان عین الدوله فرستاده بود ، چون پیش قابوس آمد گفت : انت ابوعلی (تو ابوعلی هستی ؟) .

گفت : نعم یا ملک معظم (بلی ای پادشاه معظم) . قابوس از تخت فرود آمد و چند گام ابوعلی را استقبال کرد و در کنارش گرفت و با او بریکی نهالی پیش تخت بنشست و بزرگیها پیوست و نیکو پرسید و گفت : «اجل افضل و فیلسوف اکمل کیفیت این معالجه البته باز گوید (باز گوی)» .

ابوعلی گفت : «چون نبض و تفسره بدیدم مرا یقین گشت که علت

در مهمات ملك .

دو تن بودند که هر گر ثالئی نبودی و مقصود ازین حکایت آنست که خواجه را هیچ فراغتی نبودی .

پس چون اطباء از معالجت آن جوان عاجز آمدند ، پیش شاهنشاه ملك معظم علاءالدوله آن حال بگفتند ، و او را شفیع برانگیختند که خواجه را بگوید تا آن جوان را علاج کند . علاءالدوله اشارت کرد و خواجه قبول کرد ، پس گفت : « آن جوان را بشارت دهید که قصاب همی آید تا ترا بکشد » و با آن جوان گفتند : اوشادی همی کرد .

پس خواجه بر نشست همچنان با کوبه بر در سرای بیمار آمد و با تنی دو دررفت و کاردی بدست گرفته گفت : « این گاو کجاست تا او را بکشم » آن جوان همچو گاو بانکی کرد ، یعنی اینجاست .

خواجه گفت : « بمیان سرای آوریدش و دست ویای او را ببندید و فروا نکنید » ، بیمار چون آن شنید بدوید و بمیان سرای آمد و به پهلوی راست خفت و پای او سخت بستند .

اثرات هنر ایران بر یونان

کوششی در بازیابی ارزشهای فرهنگی ایران

غلامعلی همایون

دکتر در تاریخ هنر
دانشیار دانشگاه تهران

مهمترین مسئله مورد بحث شرق و غرب ادعای دانشمندان غربی در مورد برتری تمدن و فرهنگ غرب و بالنتیجه اسارت چندین قرن ملل شرق است. اغلب محققین اروپایی تمدن غرب را وارث مطلق فرهنگ یونان و روم، که از نظر آنان بر دیگر فرهنگهای جهان برتری داشت، دانسته و خود را از هرگونه نفوذ خارج از حیطه اروپا منزّه کرده و در راه اثبات آن بناچار حتی تحریف تاریخ را نیز مجاز دانسته‌اند. بر سبیل این بحث ابتدا خود منابع یونانی را در مورد برخورد هایشان با شرق بررسی میکنیم. مورخین یونانی اکثراً بخاطر تعصبی که نسبت به رویدادها و وقایع سرزمین خویش داشتند، واقعیات را آنطوریکه میبایست منعکس نمیکردند و از ابتدای امر ارزشیابی هایشان بر اساس تعصب، خیال پردازی و افسانه سرائی استوار بود. آنان همه چیز حتی مشهودات خود را با

سطح کردن زندگی اجتماعی میسزاید و از جانب دیگر طرفدار خلق امتیازات سرمایه‌داری بود.

دمکراسی آتن قرن پنجم پ. م. فقط از نظر فرم و در مقام مقایسه با حکومتی استبدادی یک دمکراسی بود. اگرچه در ربع آخر قرن قسمتی از کارهای عام‌المنفعه با مسئولیت طبقه متوسط انجام میشد ولی در واقع همواره روح آریستوکراسی حکومت کرده و اکثریت با نجبا بود.^۱

اگرچه تعدادی از فلاسفه و شعرا از میان طبقه بورژوازی برخاسته بودند ولی آنان در آن طبقه طرفداران فراوانی نداشته و اغلب با نجبا کنار می‌آمدند. اغلب شخصیت‌های فرهنگی و معنوی قرون پنجم

و چهارم پ. م. باستانی سوفستائیان و اورپید مرتجع بوده و در موقعیتی اشرافی قرار داشتند.

پیندار^۲، آیسخولوس^۳، هراکلیتوس^۴، پارمینیوس^۵، امپدوکلس^۶، هرودوتوس^۷ و توکودیدس



سرجیوانی افسانه‌ای، ازترینات
پک دیگ برنزی، عکس از کتاب
Griechische Kunst.



آمفوری آنالوتوس، سفال،
عکس از کتاب
Griechische Kunst.

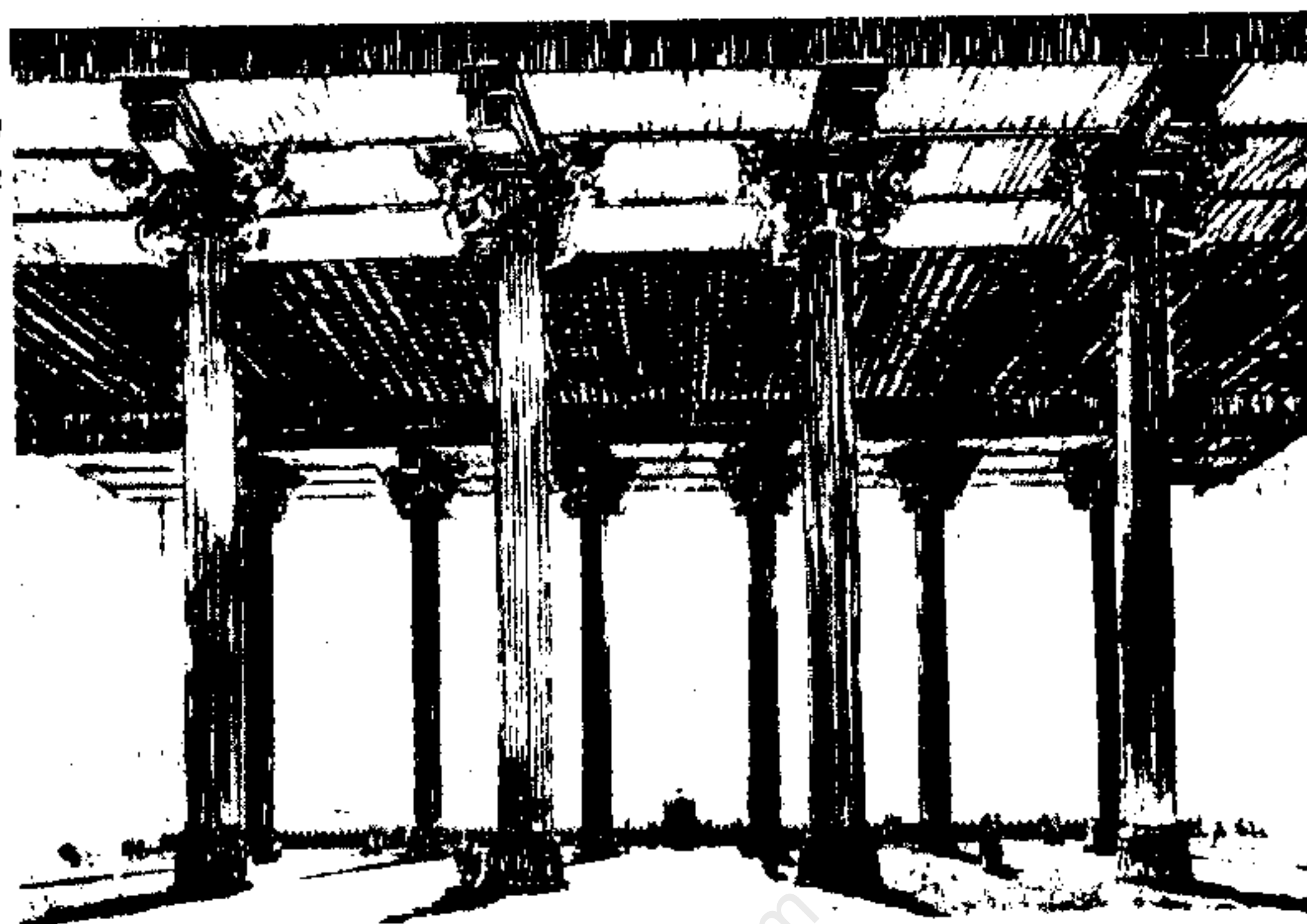
نمایند. آنان ایرانیان را «راحت طلب و تجمل پرست» میخواندند و اظهار میداشتند که ایرانیان خوابیدن روی تشک‌های نرم را کافی ندانسته زیرا پایه‌های تخت خود را نیز مفروش مینمایند که فشار و سخت



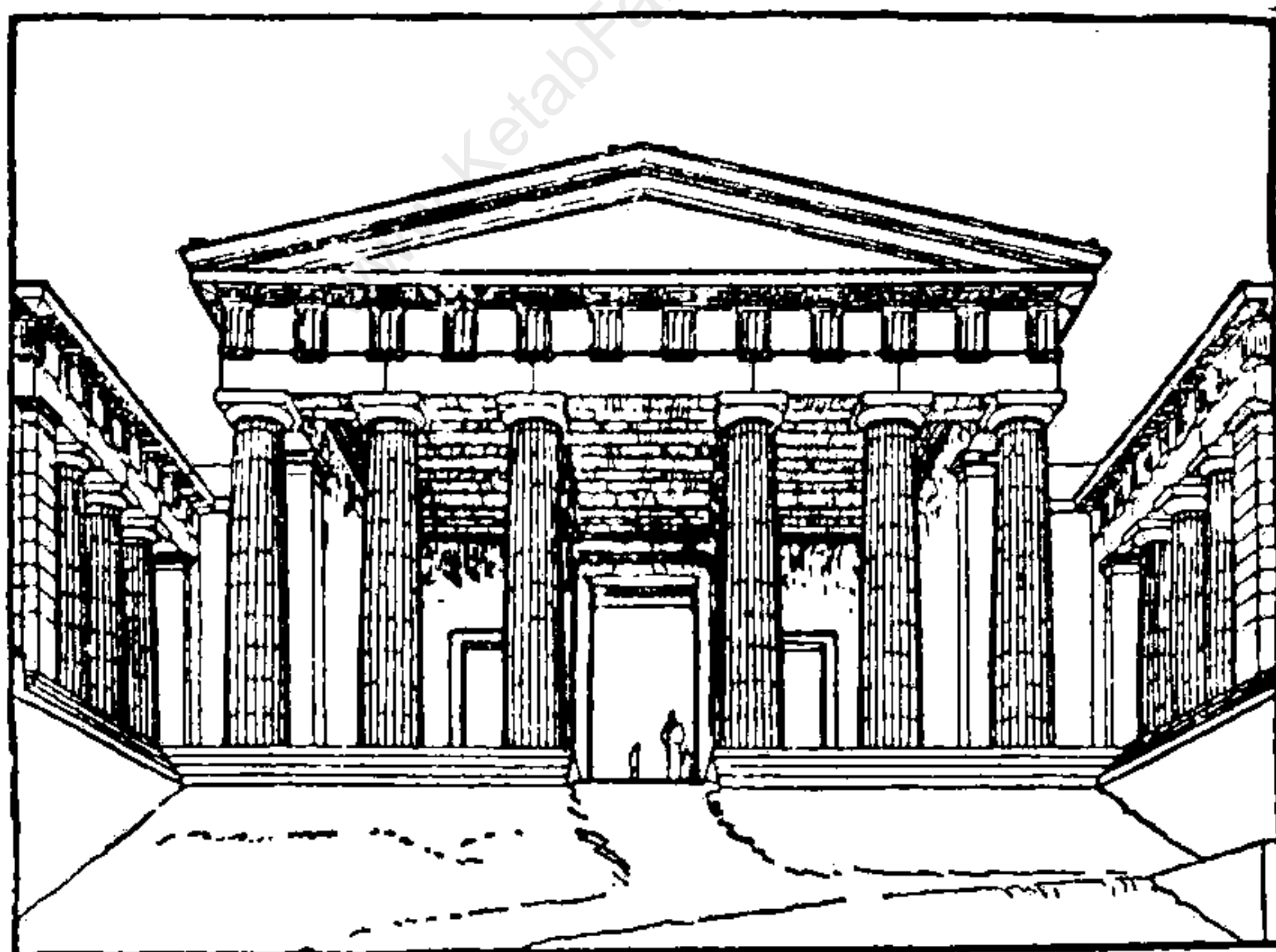
Griechische Kunst. مراجعت عروس ، نقاشی روی ظرف سفالی کرتی ، ۵۷۰ الی ۵۶۰ پ . م عکس از مقابل ص ۱۶ کتاب

می‌نماید که هیچکس نمی‌خواهد بفهمد که آنچه در ایرانیان قدیم مایه عیبجوئی و خرده‌گیری یونانیان شده است همان چیزها است که ملت‌های فقیر در آن باره ملت‌های ثروتمند را سرزنش میکنند و همان چیزها است که ملت‌های محروم با بانگ بلند ملت‌های مرفه را از داشتن آنها در معرض انتقاد قرار میدهند و آن را «تجمل پرستی» میخوانند اما درحقیقت این تجمل‌پرستی غالباً چیزی جز وسیله تأمین رفاهیت آدمی نیست و سبب آن است که بعضی به آن دسترسی دارند و بعضی دیگر ندارند و اگر روزی فرارسد که هرکس آن را در اختیار داشته باشد دیگر نه تجمل است و نه علامت تناسلی بلکه ضرورتی از زندگی بشمار

ایوان غربی آپادانای تخت جمشید
 بازسازی از پروفیسور کرفتر ،
 عکس از :
 AMI, 1968, Tafel 23.



جبهه غربی پروپیلایون
 آکروپولیس آتن ، طرح از
 ص ۸۱ کتاب
 Griechische Kunst.



به آن عادت نداشت از او پرسیدم که قصد کجا دارد که چنین خود را زیبا کرده است»^{۱۳}.

کفش چوبی پوشیدن سقراط از نظر بزرگان یونان خود را زیبا آراستن است چه برسد به پاپوش چرمی پوشیدن ایرانیان و این برآستی برای آنان شگفت‌انگیز بود که مردمی روی زمین می‌زیستند که کفش زیبا بپا و لباس ارغوانی دربردارند.

نویسندگان غربی سه قرن اخیر کار را نسبت به مورخین یونانی مشکل‌تر کرده‌اند، اروپای مستعمره‌دار دربرداشت و قضاوت‌های خود نسبت به شرق چنان در غرقاب تعصب غوطه‌ور است که هرگونه داوری را بر محقق دشوار می‌سازد. در سه قرن گذشته ادعای واهی در ارجحیت تمدن قدیم غرب بر شرق اغلب محافل فرهنگی اروپا، سبب شد کشور‌های استعماری غرب، بخصوص در یکصد و پنجاه سال اخیر، حداکثر سوء استفاده را جهت حفظ و توسعه منافع اقتصادی خود در کشور‌های شرقی بنمایند.

برتری فرهنگ غرب بر شرق در مراکز علم و ادب غرب هواخواهان فراوانی دارد.

به گوش او است میشوند؟
 من به بانگ بلند بدبختیها ورنجهای
 بی‌پایانی را که روح مرا قرا گرفته است
 اظهار میدارم آیا او از قمر تاریکیها بانگ
 مرا میشوند؟
 ای زمین و ای ارواح جهان زیرزمینی
 بگذارید که موجود الهی و باشکوه خدایی
 که در شوش زاده شده و ایرانیان او را
 می‌پرستند از منزلگاههای شما بیرون آید.
 بگذارید که آن کسی که سرزمین ایران
 مانند او را ندیده است به روشنی باز آید.
 زیرا این مرد برای ما گرامی است و روح
 و کرانه‌هایی که او را در خود گرفتند بر ما
 عزیز است. ای خدای جهانهای زیرزمین
 تو ای آیه و نشوس بگذار که داریوش به
 کاخ خویش باز گردد. این او نبود که
 سربازان خود را به شکستهای خونین
 کشانید. ایرانیان میگویند که وی آکنده
 از خدا است و با الهام خدایان بود که وی
 کشتی خود را هدایت میکرد. ای شاه ای
 شاه پیر به میان باز گردد. بر بالای زمین
 که گور ترا پوشانده است ظاهر شو. پای
 خود و بپوش زرین خویش را بر این
 سنگ بگذار و یک بار دیگر روا دار که

پروپولایون آکروپولیس آتن،<

قبه تاج شاهی را بنگریم .

آوخ که در آن هنگام که شاه پیر شاه توانا شاه شکست ناپذیر و بیعیب داریوش برابر با خدایان بر این سرزمین فرمان می راند زندگی چه با عظمت و چه زیبا بود « ۱۹ .

آری اینگونه بزرگان یونان از عقب نشینی ایرانیان در سالامین ناخوشنود و به شاهنشاه هخامنشی عشق میورزیدند و وی را مجدداً به یونان فرامیخواندند . در فرهنگ هیچ ملتی سابقه نداشته است که روشنفکران کشوری مفتوح این چنین خواهان بازگشت سران کشور دشمن و فاتح خود باشند آیا باور کردنی است که مغزهای متفکر یونان برای سران ملتی « بربر » بمعنی « تمدن و فرهنگ » این چنین سینه چاک داده و توحه سرائی نمایند ؟ پاسخ مسلماً منفی است .

سقراط در محفلش با افلاطون میگوید : مآکه نمیتوانیم از لحاظ تجمل با ایرانیان

رقابت کنیم بکوشیم از لحاظ فضل و دانش بر آنها برتری جوئیم . آیا

به دربار شوش مینویسد که داریوش هنگام خواب سه بار به شادی بانگ بر آورد که : تمیستوکلس آتن در دست مشت این بانگ و شادی غریزه انسانی است آنچه که در رفتار شاهنشاه ایران نسبت به تمیستوکلس جالب است اینست که وی توانست بر این بانگ و شادی که شاید نیروی انتقام را تحریک میکرد چیره شود و نیروی اخلاقی عظیمی را در خود بوجود آورد که هنگام نومیدی و بیچارگی تمیستوکلس انتقام فاجعه سالامین را از وی که سردار قشون یونان بود نگیرد و با وی به مهربانی رفتار کند آری ایرانیان بدینسان با یونانیان

رفتار کرده و در قلب بزرگان آن سرزمین رسوخ نمودند، کجایند آن محققینی غربی که این عظمت روحی و اخلاقی ایرانیان را در مقابل دشمن ببینند، آنان بدون شك از این عظمت فرهنگی اطلاع داشتند و عمداً خالقان تمدن بزرگ شرق را که روی غرب تأثیر فراوان نمود و من بجای خود در آن باره سخن خواهم گفت تحقیر کرده‌اند. اصولاً برای همان یونانیان «ایرانی» بودن افتخاری محسوب میگردید^{۲۱} حتی خود اسکندر که مورخین غرب درباره جلال و جبروتش خوارها کتاب سیاه کردند همان اسکندری که تمام قوانین

طبیعی بشر

اینکه بسیار از آداب و رسوم ایرانیان پیروی میکرد سرزنش میکردند جانشینان وی نیز بکلی ایرانی شده و جلال و جبروت دربارهای ایران را سرمشق خود قرار داده بودند سلوکوس با «آپاما دختر اسپتیا من یکی از دشمنان عمده اسکندر در سرزمین بلخ (باکتریا) ازدواج کرده بود باین ترتیب» از لحاظ تاریخ مدنیت عمومی جهان تاریخ اسکندر مقدونی جزئی از تاریخ ایران است و دوره‌ای که عصر طلایی یونان نام دارد در واقع دنباله منطقی تاریخ و نتیجه توسعه فرهنگ ایرانی است .
مراجعه شود به ص ۳۴ کتاب :

Roman Girshman

Iran, from the earliest Times to the islamic conquest.

Penguin books, 1954.

۲۳ - یونانیان آسیای صغیر با مغفان ایرانی از مدت‌ها پیش محصور بودند . هراکلیت فیلسوف با روحانیون مغ ملاقات داشت . در لودییه ، کاپادوکیه و بیشتر ایالات شرق و شمال مدیترانه عبادت گاههای آتش یافت میشد که محل ملاقات یونانیان و مغفان زردشتی بود .



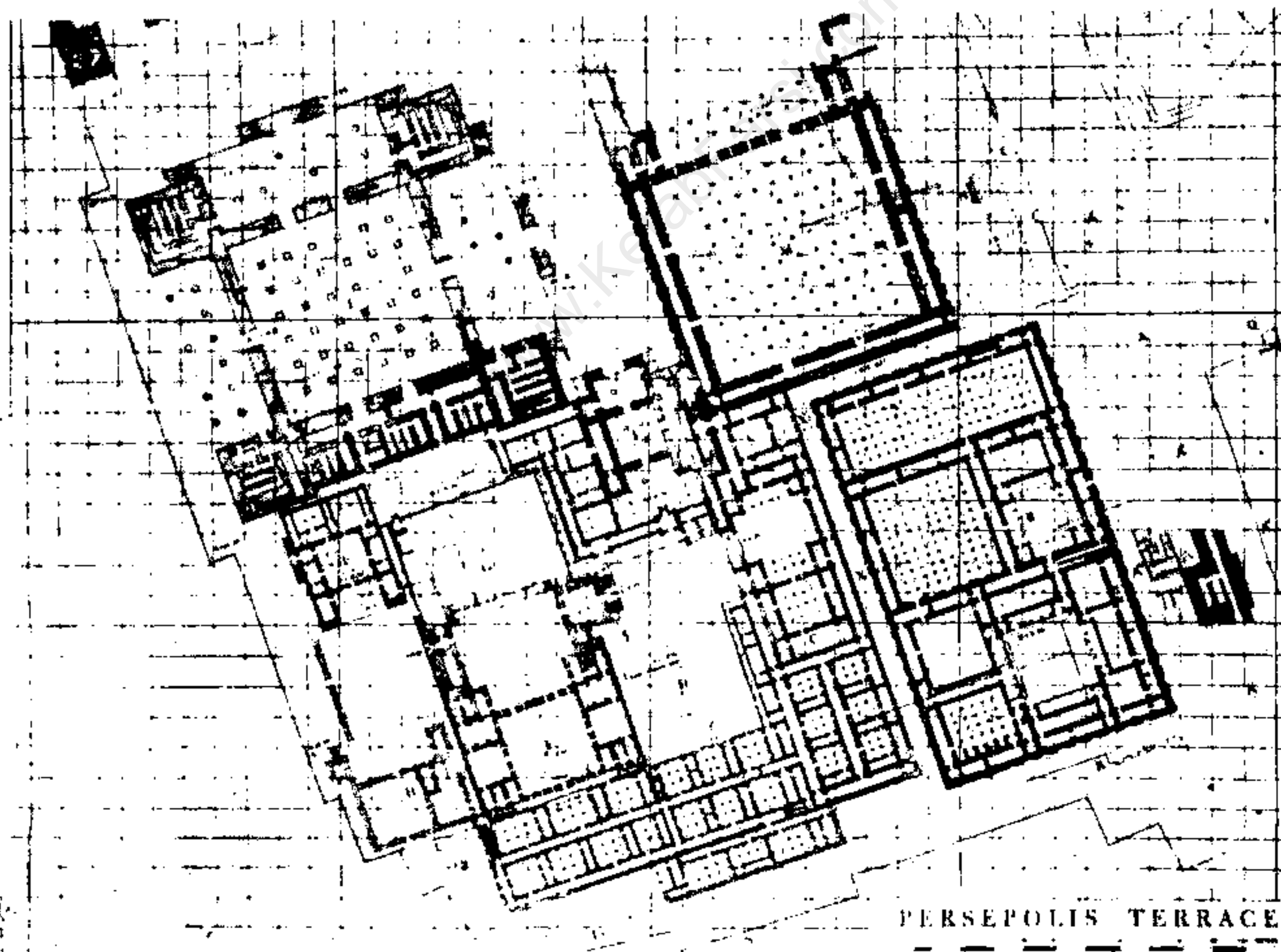
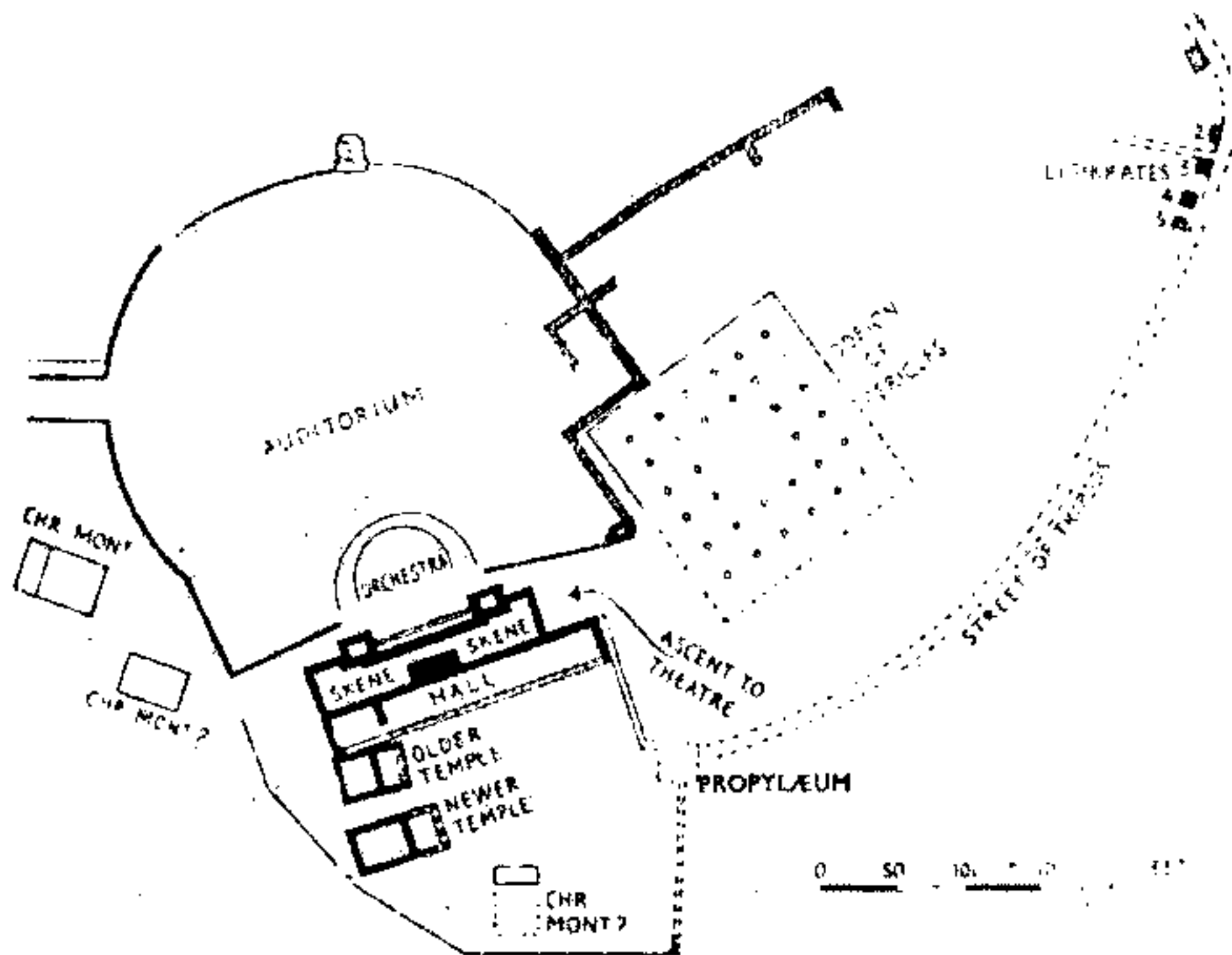
منظره عمومی تلسرین در
الویسیس، عکس از ص ۲۶ کتاب
S. Giedion

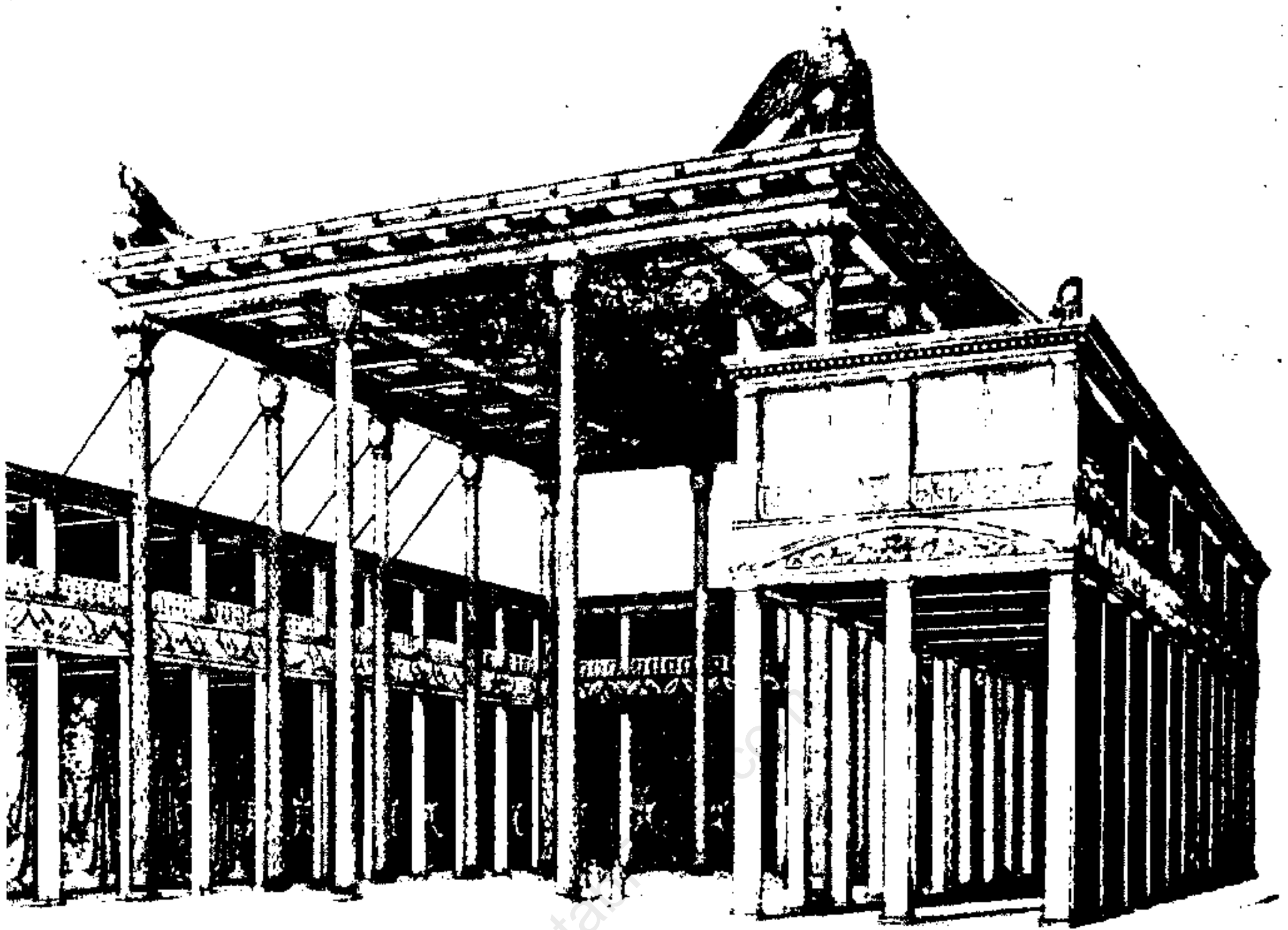
معروف در قرن چهارم قبل از میلاد نیز رساله‌ای درباره آئین مزدا تحریر نمود.^{۲۴} الهیات مزدائی روی فلسفه یونانی تأثیر شایانی کرد در افکار نموکریت پدیده‌هایی یافت می‌شود که از عرفان ایرانی اقتباس گردیده است در بعضی از نکات فلسفه افلاطون شاگرد سقراط بخوبی نظریات و افکار زردشت منعکس گردیده است.^{۲۵} افکار ایرانی آنقدر در فلسفه مؤثر بود که می‌گویند زردشت پیش‌تر اول افلاطون بود و وی برگشت زردشت بشمار می‌آید. از شاگردان افلاطون تعداد زیادی تحت تأثیر فلسفه ایرانیان بودند و حتی ارسطو نیز در اوائل کار تا اندازه‌ای افکار ایرانی را

و کالاهای خود را به غرب منتقل مینمودند هنرمندان یونان در اثر تماس با این کالاهای تحت تأثیر قرار گرفته و در آثارشان موتیف‌های شرقی پدیدار میگردد.

در گورستان دی پیلون در کنسار اشیاء دوره هندسی یونان اشیائی مربوط به قرن هفتم پ. م. پیدا شد که شامل قطعاتی از یک سفنکس است (تصویر ۱). این قطعات بعدها بیکدیگر پیوند شد و یک سفنکس کامل گردید. این تندیس که از گل رس پخته ساخته شد علیرغم ارتفاع ۳۰ الی ۳۵ سانتیمتری اش بسیار عظیم بنظر میآید. بر روی سروبالهای این حیوان افسانه‌ای یک سینی قرار دارد که محل سوختن ادویه‌جات خوشبوست. نشستن با وقار و شاهانه این حیوان با بالهای نوسان‌آمیز و ظریف و سر مغرور خود مبین قدرت و احترام و جامد و مرتبت اشرافیت شرقی است که بصورت کالای صادراتی وارد یونان گردید.

یکی از مهمترین آثار کشف شده در اولومپیا سرحیوان افسانه‌ایست که زینت یک دیک برتری بوده است (تصویر ۲). گوش‌های بلند نوک باریک این حیوان، شکوفه چترمانندی که روی





خیمه پتوله میوس دوم ، بازسازی از اشتونیز کا ۱۹۱۴ ، عکس از :
AMI, 1968 Bd. I, Tafel 24.

ملاحظه میگرد که در حال نواختن چنگ است. طراحان اندامها و طریقه ردیف شدن آنها از فرم مراسم تشییع جنازه در نقاشیهای دوران هندسی گرفته شده است با این تفاوت که موضوع تغییر جهت داده و شادی و سرور جای نشین ماتم و غزا گردیده است. قسمت فوقانی پیکرهها را لوزی هائی فرا گرفته و در کنار آنها پیچک هائی مشاهده می گردد. در قسمت پائین اندامها یعنی جایی که گردن ظرف به بدنه آن وصل میشود پیچک های دوگانه نقاشی شده است. نقوش مابین دو دسته ظرف عبارتند از دوشیر که باوقاری خاص روی در روی یک

ردیف آهو و درپائین ترین قسمت دوردیف زینت هندسی ملاحظه میگردد. اکنون این سوال پیش میآید که پدیده‌های غریبه‌ئی مانند شیر، پلنگ، شکوفه‌های لوتو و درختان نخل بچه شکل و از کجا بر روی ظروف سفالین یونانی نقش گردیده‌اند (تصویر ۴). زیرا هنرمند یونانی آنها را هرگز بچشم ندیده بود. در اینجا باید با کمال اطمینان همانطوریکه بعضی از باستانشناسان اروپایی قبلاً در اینباره مطالبی نگاشته‌اند اظهار داشت که ظروف و کالاهای شرقی که نقوش فراوانی از این قبیل داشتند الهام‌بخش هنرمند یونانی گردیده و هنر دوره آرکائیک را شدیداً تحت تأثیر قرار داده‌اند. این کالاهای از کلنی‌های یونان به سرزمین اصلی منتقل میگردد. از اواسط قرن هشتم پ.م شهرهای متعددی در کناره‌های مدیترانه بوسیله یونانیها ساخته شد.

این کلنی‌های یونانی محل تجارت و دادوستد شرق و یونان گردیدند و در این نقاط تجارت یونانی و شرقی بایکدیگر ملاقات نموده و کالا مبادله مینمودند.

نقوش مشربه معروف تپه سیک ک

فضاهای معابد یونانی مطبوعی خلق کرد که انسان را فرح می‌بخشد. وی احتمالاً در خلق این فضا تحت تأثیر معماری هخامنشی قرار گرفت زیرا آن، خاطره کاخ‌های هخامنشی را زنده مینماید.

مورخین هنر و باستان‌شناسان غرب همواره آکروپولیس آتن را یک پدیده کاملاً یونانی معرفی کرده و آنرا نهایت قدرت معماری دوره کلاسیک دانسته‌اند. این فکر کاملاً محترم و مورد قبول ولی به قسمت نخستین آن نمیتوان اعتقاد کامل داشت یعنی نباید پذیرفت که آکروپولیس صددرصد و بطور کامل محصول تراوشات افکار یونانی است.

آکروپولیس آتن و پرسپولیس شیراز قابل مقایسه است. این مقایسه را برای اولین بار لورنس^{۳۷} انجام داد متأسفانه مقاله لورنس را تاکنون مطالعه نکرده‌ام

داریوش، ظرف سنالی، موزه واتیکان، میانه قرن پنجم پ. م، عکس از AMI, 1968 Bd. I, Tafel 10.





پادشاه بزرگ ویک یونانی ، نشان از آپولونیا Apollonia ، اوائل
قرن پنجم پ . م ، عکس از AMI, 1968 Bd. I, Tafel 6

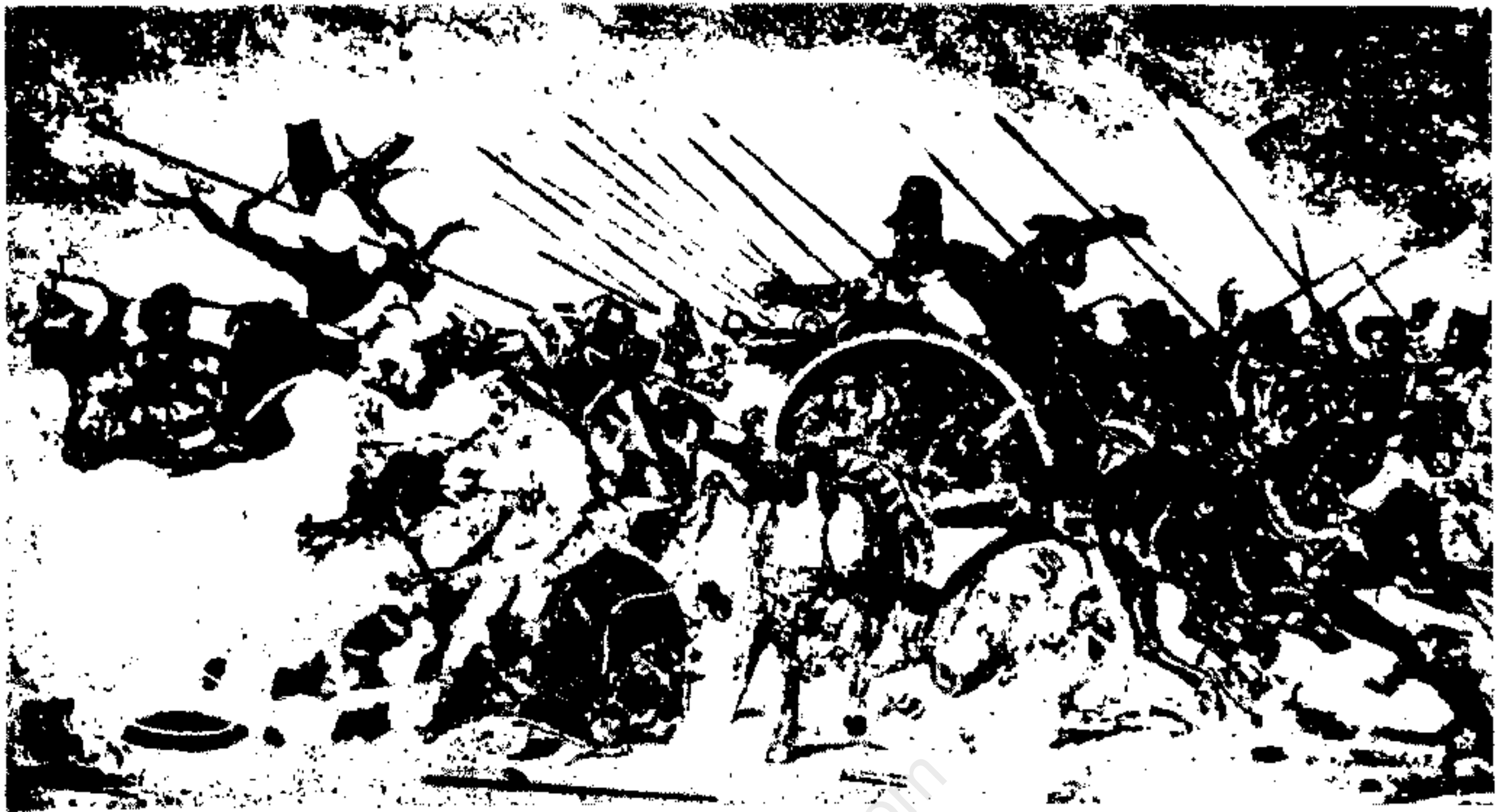
داریوش ، نقش برجسته از تخت جمشید ، موزه ایران باستان ، عکس از
AMI, 1968, Bd. I, Tafel 9.

منطقی و چشمی صحیح مابین بناها و رعایت
استقلال و شخصیت آنها میتوانیم طراحی
گروهی بن

- ۳۸ - Agora به میادین عمومی و بازارهای خرید و فروش اطلاق میشود .
- ۳۹ - Erechtheion
- ۴۰ - مراجعه شود به ص ۱۷ کتاب : S. Giedion
- ۴۱ - Pnyx میدان اجتماع آتنی ها در روی صفا ای صخره ای که بمنزله مجلس آتن محسوب میگشت .
- ۴۲ - Areopag محل تشکیل جلسات دادگاهها .
- ۴۳ - Heraion
- ۴۴ - Aphaia
- ۴۵ - Agina
- ۴۶ - مراجعه شود به ص ۲۲ مقاله : Heinz Luschey
- ۴۷ - مراجعه شود به ص ۲۳ مقاله : H. Luschey
- ۴۸ - Hypostyl تالار تجمع .
- ۴۹ - مراجعه شود به ص ۲۳ کتاب : S. Giedion
- ۵۰ - برای مثال حسن لو قرن هشتم پ.م
- ۵۱ - Mysterien به مخفی گاههای مذهبی - عرفانی اطلاق میشود و فرم معماری آن از شرق از طریق آسیای صغیر به خاک یونان راه یافت .
- ۵۲ - Eleusis باین نوع هوپوستول ترسیلیون Thersilion نیز میگویند .
- ترسیلیون مگالوپولیس Megalopolis که در قرن چهارم پ.م و ترسیلیون آرگوس که در میانه قرن پنجم ساخته شدند از نمونه های پ



تیسافرئس ، سکه نقره‌ای ، حدود ۴۱۳ پ . م ، لندن ، عکس از
AMI, 1968, Bd. I, Tafel 13.



موزائیک اسکندر، حدود یکصد سال پیش از میلاد، عکس از ص ۱۶۴ کتاب E. H. Gombrich Kunst und Illusion, Köln, 1967

و ایرانیان موضوع کتاب‌ها و مقالات و اسناد متعدد یونانیان قرار گرفته‌اند.

اولین سند یونانی از ایران يك لوحه‌ایست از سنگ معدن متعلق به ۵۲۰ پ. م که در سال ۵۰۰ پ. م به اسپارت آورده شد. بر روی آن نقشه جهان شناخته شده آن زمان تکر گردیده‌است. این لوحه از روی نقشه آناکسماندر میله‌ای^۶



داریوش سوم از موزائیک اسکندر
عکس از ۱۶۴ کتاب
E. H. Gombrich

«ایرانیان» آیسخولوس قرار گرفته و شباهت آن به نقش برجسته داریوش انکارناپذیر است (تصویر ۲۰).

بر روی سکه‌ای نقره‌ای از سال ۴۱۲ پ. م (تصویر ۲۱) بجای سر آتنا، سر ساتراپ تیسافرزنس^{۷۷} یک چهره ایرانی با لباس ایرانی ولی با سبک یونانی، نقش شده و بر روی دیگر آن «پول شاه بزرگ» نقره‌گردیده است.

موضوع جنگهای ایران و یونان بدون شك مورد توجه فراوان هنرمندان یونان قرار گرفت. موزائیک اسکندر (تصاویر ۲۲ و ۲۳) از قرن اول پ. م

که در کا زادلفانو^{۷۸} پیدا شد و اکنون یکی از آثار برجسته و پربهای موزه ملی ناپل میباشد نمونه‌ای از آن بشمار میرود. موزائیک اسکندر صرف‌نظر از موضوع و تنها از نظر عظمت و تکنیک نیز یک کار فوق‌العاده بشمار می‌آید. اندازه آن ۵ در ۲/۷ متر و با سنگ‌های موزائیکی ساخته شده که اندازه هر یک از ۲ الی ۳ میلیمتر تجاوز نمیکند. در این اثر در حدود ۱/۵ میلیون سنگ موزائیک بکار برده شده است. ظرافت تکنیک این موزائیک‌های ریز سبب رنگ‌آمیزی متنوع و جالبی شده و بخاطر همین امکانات رنگی، بسیار بعید بنظر میرسد که این کار شباهت فراوانی به اصلش داشته باشد.

با احتمال قوی موزائیک اسکندر از روی تابلوی نقاشی معروف قرن چهارم پ. م. فیلوکسینوس^{۷۹}، در اواخر قرن از جنگ ایسوس^{۸۰} کپی شده است. فیلوکسینوس سعی کرده از کلیه واسطه‌های دراماتیکی استفاده نماید تا جنگ را در نهایت گیرائی‌اش نمایش دهد.

لشگری

مرقع سازی در دوره تیموریان

مایل هروی

برگ شماره ۴



میشدند تا این اوراق پراکنده و خورد و ناهموار به یمن همت و کلاک هنرمندانشان پیوند و اتصال نیکو یابد و چهره بهتر و منسجمی را بخود بگیرد و از کتابهای هنری و تزیینی یکسروگردن زیباتر و مطلوب تر عرض وجود کند.

ترتیب ساخت و پ

دیگر اصلاً هیچ اعتنا بدان ننماید و اما نگاه ژرف بینانه میتواند قدرت نقش را درك کند.

بگفتند سعدی:

اینهمه نقش عجب بر درودیوار وجود
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
ولی اینهمه نقش های دلخیز که
ظاهراً سعدی بزبان شعر آورده است
منظورش زیبایی طبیعت است و برآستی
افق شفق و صحن چمن باغ و راغ وابر
ومه و صدها چیز دیگر با تمام دل انگیزی
خود هر روز در روبروی چشم ما قرار
دارد و ما از آن گاه نادیده و گاه خیلی
سطحی و بیعلاقه میگذریم زیرا ذهن ما
بمسائل روز مستغرق است این مناظر زیبا
که هر طرح آن با چهره شگفته بطرف ما
تبسم دارد و ما را میخواهند لحظه از بند
زندگی پررنج روز رها سازند و ما را
بکاهشان خوشدلی و خوشبختی سوق
دهد و گاه ما بایشان نامحرم میشویم
و میتوان اعتراف کرد که گناه ماست
مولانا جلال الدین بلخی این مطلب را
عارفانه و عاشقانه چه



برگ شماره ۱۳

نسخه‌های مصور گلستان و بوستان

بقلم: دکتر محمد عبدالله جغتائی
برگردان از اردو به فارسی: ایران تاج

مقدمه

شخصیت برجسته شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی که در حدود ۶۱۹ هجری وفات یافته است نیاز به توصیف ندارد. دو کتاب مشهور سعدی «گلستان و بوستان» در عالم علم و ادب مقام خاصی دارد و از روز تصنیف تا کنون نسخ بی‌شماری از آنها چاپ و منتشر شده است که همچنین نسخه‌های متعدد دیگری به خط کاتبان خوشنویس و نقاشان زبردست تهیه گردیده است که از آنها هزار بار در هر شهری چاپ شده و با زبانهای مختلف دنیا ترجمه گردیده است.

استفاده عملی این دو کتاب اینست که اگر پند و نصایح آنرا کسی درست بفهمد و بکار بندد به بالاترین مقام اجتماع خویش نائل خواهد شد.

نگارنده در دوران زندگی خود نسخه‌های زرین و مصور عالی آنها را در کتابخانه‌های مختلف

